



اصول تربیت اسلامی از دیدگاه شهید مطهری

تعلیم و تربیت در زندگی بشر مهمترین و اساسی ترین جنبه زندگی است به گونه‌ای که با کمک آن توانایی‌های انسان در زندگی بروز و ظهور پیدا می‌کند و انسانیت انسان تحقق می‌یابد.

خبرگزاری مهر- تعلیم و تربیت در زندگی بشر مهمترین و اساسی ترین جنبه زندگی است به گونه‌ای که با کمک آن توانایی‌های انسان در زندگی بروز و ظهور پیدا می‌کند و انسانیت انسان تحقق می‌یابد.

متفکر شهید، علامه مطهری به عنوان اندیشمندی اسلامی در خصوص اصول تعلیم و تربیت اسلامی، مسائلی را مطرح کرده است که بررسی و ارائه آنها می‌تواند فضای فکری مشخصی را در تربیت اسلامی به وجود آورد و به کاوشگران عرصه تعلیم و تربیت یاری رساند.

1- اصل هماهنگی با فطرت

در وجود انسان از سوی خداوند متعال ویژگی‌هایی قرارداد شده که او را از سایر موجودات متمایز می‌کند؛ خردورزی، خداگرایی و سایر ویژگی‌های ذاتی از جمله این استعدادهای فطری را تشکیل می‌دهند.

مجموعه وضعیت زندگی آدمی باید به گونه‌ای سامان یابد که این ویژگی‌ها، که به مثابه بذریه‌هایی است که در زمین خلقت انسان وجود دارد، رشد کند. تعلیم و تربیت در بین مجموعه اموری که زندگی آدمی را شکل می‌دهد، مهمترین و اثرگذارترین عامل است و باید با استعدادهای عالی فطری هماهنگ باشد. لزوم این هماهنگی به طور کامل مورد تأیید عقل است.

از نظر عقلی اگر وضع حاکم بر فطرت با فطرت همسو نباشد، استعدادهای عالی آدمی رشد نمی‌کند. محیط غیر عقلانی نمی‌تواند عقل را رشد دهد و محیط غیر معنوی نمی‌تواند معنویت را در انسان پرورش دهد. اگر انسان دارای یک سلسله فطریات باشد قطعا تربیت باید با در نظر گرفتن همان فطریات صورت گیرد. چون تربیت یعنی رشد و پرورش دادن و این بر اساس قبول کردن یک سلسله ویژگی‌های انسان است.

انسان را دو جور می‌توان ساخت: یکی ساختن، آن چنانکه اشیا را می‌سازند؛ یعنی سازنده فقط منظور خود را در نظر می‌گیرد و فرد را به شکلی در می‌آورد که آن منظور را تأمین کند؛ حال با ناقص کردن یا کامل نمودن آن، تربیت یعنی پرورش دادن استعدادهای واقعی انسان، او اگر استعداد عقلانی و فکری دارد و چون و چرا در مسائل دارد باید پرورش داد نه اینکه اینها را کشت.

2- اصل اعتدال

دومین اصلی که در تعلیم و تربیت اسلامی باید رعایت بشود، اعتدال است. اعتدال در مقابل افراط و تفریط است. افراط یعنی زیاده روی کردن در چیزی و تفریط یعنی کم دیدن و کم آوردن چیزی، هرکدام از این دو موجب اختلال در بقاء استمرار و سلامت امور می‌شود. در تعلیم و تربیت نیز که با روح و روان انسان‌ها سروکار دارد، پرهیز از افراط و تفریط از لوازم تعلیم و تربیت کارآمد و تأثیرگذار است. افراط، تورم به وجود می‌آورد و تفریط، خلأ و کاستی.

چون هر قوه و استعدادی برای هدف و غایتی ساخته شده و مجموع آن هم غایتی کلی دارد، ما اگر بخواهیم بفهمیم که یک قوه در حد وسط است یا در افراط و یا در تفریط باید این جهت را کشف کنیم که این قوه اصلاً برای چه آفریده شده است. آنچه برای آن آفریده شده حد وسط است که بیشتر از آنچه برای آن آفریده شده به کار افتد، افراط است، کمتر از آن تفریط است.

قوه خشم در حدی که انسان از خود دفاع کند حد وسط آن است. کمتر از آن باشد که انسان به صورت آدم ضعیف و توسری خوری در آید، حد نقص و تفریط آن است و بیشتر از آن باشد که انسان به صورت فرد مهاجمی درآید که می‌خواهد توی سر دیگران بزند حد افراط آن است.

در جامعه به انسان‌های معتدل نیاز داریم، انسان‌هایی که نه اهل تفریط و نه افراط باشند. برای شکل دهی به چنین جامعه‌ای به تربیت معتدل نیازمند هستیم. بر این اساس، قرآن همه جانبه حرف می‌زند. یک وقتی بود که جامعه ما دچار یک بیماری بود و آن اینکه اسلام را فقط در عبادت می‌دانستند آن هم چه عبادت‌هایی! ملاک مسلمانی، زیاد مسجد رفتن و زیاد دعا خواندن بود. این به صورت یک بیماری در آمده بود. ولی کم کم علامت یک بیماری دیگر در ما پیدامی‌شود. عده‌ای که توجه به جنبه‌های اجتماعی اسلام پیدا کرده‌اند، کم کم می‌خواهند جنبه‌های معنوی اسلام را ندیده بگیرند. این هم بیماری است اگر جامعه ما به این دنده بیفتد و آن جنبه را فراموش کند، باز یک جامعه منحرفی است در همان حد که جامعه گذشته ما منحرف بوده. جامعه‌ای که پیغمبر درست کرد جامعه معتدل بود.

3- اصل جامعیت

منظور از جامعیت، همه جانبه نگری تعلیم و تربیت اسلامی به ماهیت انسان است. هیچ یک از جنبه‌های شخصیت انسان از نظر اسلام دور نمی‌ماند و هرکدام باید به رشد مقرر خود برسد. اینکه در قرآن، انسان#171؛رشید» معرفی می‌شود مراد همین است. رشید یعنی کسی که همه ابعاد وجودی او رشد کرده است. اگر یک جنبه رشد کند و سایر جنبه‌ها را کند و معطل بماند و اینکه در جهت غیر اصول خود رشد یابد، پرورش واقعی و اصیل به وقوع نخواهد پیوست.

خطری که انسان که یک بعدی دارد، انسان تربیت نشده ندارد. انسانی که یک بعد وجودی او رشد کند و یقیه رشد نکند با استفاده از بعد رشد یافته برای رسیدن به برخی اهداف مادی و غریزی از توانایی‌های خود به عنوان ابزار استفاده می‌کند.«؛جامعیت در قرآن با اعتدال در تربیت، رابطه بسیار نزدیک دارد با تربیت جامع است که می‌توان انسان معتدل به وجود آورد. در غیر این صورت هم انسان لطمه می‌بیند و هم تربیت او.

یکجانبه بودن یک قانون و یا یک مکتب، دلیل منسوخ شدن خود را به همراه دارد. عوامل مؤثر و حاکم که در زندگی انسان‌ها فراوان است، چشم پوشی از هر یک از آنها خود به خود عدم تعادل ایجاد می‌کند. مهم‌ترین رکن جاوید ماندن، توجه به همه جوانب مادی و روحی و فردی و اجتماعی است. جامعیت و همه جانبه بودن تعلیمات اسلامی مورد قبول اسلام شناسان است.».